

## برکات فهرست نگاری

سید صادق اشکوری حسینی (اصف آگاه)

نمود که آیندگان - بلا شک - رهین منت اویند .

ولی آن روزها کتابخانه بزرگ نبود، کسی از وجود و اهمیت این کتابخانه خبری نداشت. مثل خیلی از کتابخانه های عمومی قم بود. از این روزها که امکانات اطفاء حریق، مخازن مجهز، سیستم کنترل، امکانات فنی ساختمانی، توسعه قضا، تعداد کتاب، شبکه داخلی، سایت، هزاران سی دی و مبادلات عظیم و ... هر کدام حرفها برای گفتن دارند که در آن روزها هیچ خبری نبود.

کتابخانه، مجله شهاب، محقق و ویراستار و غلط گیر و انتشارات و روابط عمومی و مترجم و دهها کارمند بلکه صدها کارمند نداشتند. آنروزها سرجمع افرادی که کار می کردند ده الی پانزده نفر بودند. حجم چاپی ها را نمی دانیم، ولی مخطوطات حدود ده هزار نسخه بود و چنانچه تولید محترم کتابخانه در مقدمه جلد اول فهرست، تصریح کرده - اند، تعداد چهار س بیست و اندی می شد که با احتساب جلدی چهار صد نسخه بیست و پنج جلد معرف ده هزار نسخه بود.

اکنون تعداد کتابهای خطی از سی و پنج هزار گذشته است، ولی همان تعداد - ده هزار نسخه - هم تعداد کمی نبود. هنوز در آن روزها، برای فهرست برداری از این مجموعه غنی و بزرگ گروه فهرست نگاران تشکیل نشده بود. نه تنها امکانات آفت زدایی و مرمت نبود بلکه کتابدار لایقی که بتواند کتابهای گرد گرفته و آفت دیده را از هم جدا کند، صفحات مربوط به نسخه ها را در هم نکند و با سلیقه در قفسه ها بچیند، وجود نداشت. شخصی که این کار را عهده دار شد همان است که بعداً نام او بر روی فهرست کتابخانه "سید احمد حسینی" درج شد و بستگان و دوستان او را به "اشکوری" می شناختند.

کار فهرست نگاری با پیشنهاد مؤسس کتابخانه شروع شد. آن روزها انتظار اتاق مناسب با تهویه مطبوع و حرارت یکنواخت، مسخره به نظر می رسید. باید گرمای شدید تابستان و سرمای جانگیر زمستان را تحمل می کرد. سماور چای و استکان هم کنار میزش قرار داشت. خودش مهر بر کتاب زده و شماره ای بر آن درج می کرد و خودش در

آن روزها - یعنی حدود سی سال پیش - خیلی چیزها مثل حالا نبود. بسیاری از امکانات و فن آوری های مدرن که به کار بشری نظم و نظام و سرعت بخشیده شاید آنروز کمتر متصور بود، ولی اکنون پیشرفت چنان سرعت یافته که دیگر از تحولات عجیب و غریب، هر چه شنیده شود بعید نمی نماید.

اگر بخواهم آن روزها را با این روزها مقایسه کنم تفاوت بسیار و اختلاف هزاران است. این مقال هم در صدد بیان "آن ها" و "این ها" نیست. می خواهم از تمام جهان بهنایور با تمام تحولاتی که یافته فقط قاره آسیا را انتخاب کنم. نه در دایره فکر و قلم من نیست، محدوده را تنگتر کنم، فقط به ایران بسنده کنم.

چه تمنن عظیمی و چه فرهنگهای متفاوتی!

باز هم باید محدودتر شود.

چطور است فقط به زادگاهم - قم - بیاندیشم.

کدام حوزه؟

فقط فرهنگ و کتاب.

خوبه خیلی بهتر شد ولی هنوز با امواج بزرگ مقارنات

مواجهم

قم جایی که لاف در دهه های اخیر مهم ترین مهده فرهنگ

شیعی و پرچمدار حریم ولایت و مهمترین مرکز نشر آثار اسلامی بوده است.

بنابراین برای اینکه بتوانم مقاله را جمع و جور کنم، قول می دهم که از محدوده کتابخانه ها بیرون نروم، فقط یک مقوله فرهنگی و از این مقوله هم فقط یک مصداق را

مثال بزنم: کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی

نجفی

بله، داشتم می گفتم آن روزها ... آن روزها کتابخانه بزرگ مرعشی، چندان بزرگ نبود، نه از حیث محتوا که آن میراث بان بزرگ شیعه مرحوم آیه الله نجفی مرعشی با عشق به کتاب و حفظ میراث اسلامی خدمتی کرد غیر قابل توصیف و تأسیس اساسی

قفسه ها می گذاشت. خودش کتاب را برگ برگ ورق شماری می کرد و تعداد لوراق آن را به اضافه دیگر اطلاعات کتابشناسی و نسخه شناسی درج می کرد.

یادم نرود آن روزها بسیاری از منابعی که امروزه در اختیار فهرستنگاران قرار گرفته چاپ یا تدوین نشده بود. مثل امروز نبود که خود فهرستست مرعشی یا التراث العربی کار مراجعه فهرستنگاران را به حد اقل رسانده است.

سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی - وقتی من سه ساله بودم - جلد اول فهرست مرعشی چاپ شد. فضای چاپ آن روزها هم غیر از حالا بود. نسل رایانه ای امروز خیر از درد وسختی های آن روز ندارند. امروز کتاب پانصد صفحه ای با کاغذ های A4 تمیز و سفید یکدفعه برای غلط گیری چاپ می شود. مصحح یا مؤلف یکبار به بر آنها اعمال نظر می کند. مواردی را که نمی پسندند حک و اصلاح می کند. مطالب کلی که در متن باید تغییر یابند را تک به تک تذکر نمی دهد، بلکه با یادداشت روی برگه ای تذکر می دهد که موارد مذکور در تمام متن اعمال شود.

نوع حروفی را که نمی پسندد فقط با یک تذکر در تمام متن تغییر می دهد. تعداد صفحات و صفحه بندی را به دلخواه یا تغییر در محدودیت صفحات تغییر می دهد. یک فصل را کاملاً حذف می کند، دهها سطر می افزاید یا یک بخش کامل در هر کجای کتاب می افزاید. مقدمه ها هم غالباً در دقیقه نود تهیه می شوند. روشهای درج فهرس عمومی هم غالباً از حالت دستی خارج شده و ماشینی شده است.

اما آن روزها غیر از محدودیتهای بسیاری که در چاپخانه ها وجود داشت،<sup>(۱)</sup> مؤلفین و مصححین مشکلات فراوانی داشتند. هر روزی کاغذ چاپ هشت صفحه ای بود.

که دوتای آن یک فرم شانزده صفحه ای را تشکیل می داد یعنی تیراز مورد نظر یکبار به مربوط به شانزده صفحه چاپ می شد. چون حروف سری چاپخانه ها محدود بود، هر فرم که چاپ می شد سریعاً به قسمت حروفچینی ارجاع می شد تا حروف بر جای خود ریخته شوند و دوباره مطالب جدید حروفچینی شود.

مؤلف خودش می بایست هر چند صفحه را تصحیح کرده و به چاپخانه بفرستد. وقتی چاپ یک اثر شروع می شد، مؤلف باید دائماً یا خودش یا واسطه اش با چاپخانه در تماس باشد. فرمها را که غالباً دوباره تصحیح می شدند از مؤلف به چاپخانه برساند تا صفحات چاپ شده و در انبار بمانند تا کتاب تکمیل شود. از این رو گاهی چاپ کتاب از روز شروع تا هنگام تحویل به صحافی چند ماه طول می کشید. اگر عدم سرعت کافی بعضی مصححان را نیز در نظر بگیریم، چاپ

کارهای کسالت نیز تجاوز می کرد.

حروفچینی های کامپیوتری در قم حدود ده سال پیش شروع شد و هر روز امکانات، دقت و سرعت بیشتری می یابد. تمامی کتابهایی که تا ده سال پیش در سلسله انتشارات کتابخانه مرعشی به چاپ رسیده همان سیستم حروفچینی سنتی را داشته اند. هنوز خاطره تلخ به رودخانه ریختن فرمهای تصحیح شده که هر چند ماهی به دستور ابوی متوجه من و یکی دو تا از برادرانم می شد را از یاد نبرده ام. این فرمها را که چرک آلود و سیاه بود و اثر انگشتان حروفچین یا چاپچی بر همه آنها کم و بیش حک شده بود، باید دو دستی بلند کرده، مسافت مجمع ذخائر اسلامی را - که در صفائیه نزدیک کوچه ممتاز بود - تا رودخانه طی کرده - و چون اسماء متبرکه داشت - داخل آب می ریختیم، و البته که مزدی هم دریافت نمی کردیم. این بود که کار با اکراه فراوان انجام می شد. یک روز زرنگی کرده جوی آب کوچه ممتاز را که آب فراوانی از آن عبور می کرد، میابری تشخیص دادیم و به رودخانه نرفتنیم، کاغذها به حدی بود که جوی بند آمد. دلهره اینکه الان اگر پدر از مجمع بیرون بیاید و صحنه را ببیند چه اتفاقی خواهد افتاد ما را از کرده مان سخت پشیمان کرد. به هر نحوی بود، لوراق را با قفسار آهسته آهسته به خورد آبها دادیم و هرگز این کار را تکرار نکردیم.

اثری، سالهای اول که چاپ فهرست شروع شد حتی رفت و آمد بین چاپخانه و کتابخانه یا چاپخانه و منزل را ابوی شخصاً انجام می داد. بعدها این کار را برادرهایم عهده دار شدند و وضع سامان مناسبتری یافت.

همه آنچه گفتیم بدان جهت بود که مؤلفان متأخر تر بدانند تمام مشکلاتی که اکنون دچار آن هستند، قدیمیان به مراتب بیشتر با آن مواجه بودند. من گاهی با خود فکر می کنم که اگر امکانات امروز - که فرها بسیار پیشرفته تر و بهتر خواهد بود - دیروز در اختیار پدرم بود، حدود دو برابر می توانست بازدهی و خروجی کار داشته باشد. از هر چه بگذریم فهرستنگاری آن زمان با تمامی مشکلاتش، چه منفعتی داشت و چه برکات مادی و معنوی نصیب مؤلف آن می گشت؟ باید بگویم:

اما منافع مادی: آن موقع که نداشت هیچ، اکنون نیز برای سید والد - دام ظلّه - ندارد. او هنگامی که می پرسند فهرستنگار تربیت کرده ای یا نه؟ می گوید: کسی که حاضر باشد مثل خودم بدون چشمداشت، فهرست نگاری کند نمی یابم. لذا از ابتدای امر نیز جاذبه اصل کار پدر مرا بسوی خود کشانید، و او که فرصت مناسبی را برای کند و کاو بین مخطوطات پیدا کرده بود، به خلق آثاری دست زد که در دامنه تاریخ جای واقعی خویش را خواهد یافت.

به طور کلی برکات فهرستنگاری را می توان از دو جهت بررسی کرد:

الف - برکاتی که فهرستنگاری برای جامعه علمی دارد.

ب - برکاتی که فهرستنگاری برای شخص فهرستنگار دارد. اما مورد اول بسیار مهم است آنچنان که ذهن بسیاری از جوانان و دانشجویان و طلاب را به خود مشغول کرده است. وقتی فهرستی چاپ می شود، بعضی می پرسند: که چی؟! چه سودی دارد؟! پولش بر می گردد؟! اسم یک مشت کتاب و مهر وقف و عکس های ناخوانا چاپ کرده اید، اسراف نیست؟! و شبیه این سوالات.<sup>(۱)</sup>

بنا بر این جهت روشن شدن برکات فهرستنگاری برای جامعه علمی باید مقالات مستقل فراوانی با دیدگاههای مختلف به رشته تحریر در آید. نگارنده مصرانه از فهرستنگاران تقاضا دارد که این موارد را مکتوب کرده به خوانندگان اعلام کنند. ما نیز در این مقال به چند نکته اشاره کرده و تفصیل را به موعدی مناسب و مقالی دیگر موکول می کنیم.

برکات و فوائد فهرستنگاری به طور عموم

الف. کمک به تدوین تاریخ علم:

آنچه استاد دانشمند، جناب آقای حائری - داماد برکات - فهرستنگار برجسته معاصر، سالها بدان مصرند و در کمتر مقال و مقامی است که سخن از آن نرانند، توجه به تدوین تاریخ علم در ایران است که مهمترین راه تحقق آن، نگاشتن شدن فهراس نسخه های خطی است.

بد رهایی به مطالب تاریخی دست اول، که بسیاری از نسخه های خطی در اختیار اشخاص بوده و مطالب فراوانی که اصطلاحاً به آنها "مطالب پشت نسخه ای" می گویند توسط کاتبان، مؤلفان، مصححان، دانشمندان، شاعران و نگاشته شده مطالب تاریخی سودمندی توسط فهراس معرفی می شود. فهرستنگاران گاهی عین مطالب تاریخی را نقل کرده و گاه به خواننده توجه می دهند که چنین مطلبی در فلان مخطوط وجود دارد.

ج. شناخت کتابهای جدید:

در لابلای مخطوطات مخزون در قفسه خانه ها و کتابخانه ها عناوین جدید بسیاری وجود دارد که تا به حال کسی از وجود آنها خبر نداشته است. تقریباً فهرستی نیست که چاپ شود و در آن عناوین جدید به چشم نخورد.

د. شناخت مؤلفان گمنام و عالمان محلی:

در هر شهر و روستایی - خصوصاً در گذشته های دور که هنوز مناطق مختلف از اهل علم خالی نشده بود - عالمان محلی، شاعران و کاتبان زیادی بودند که کتابهای آنها کمتر منتقل شده است یا باز شدن درب کتابخانه ها، درب تحقیق بر روی این افراد و دستیابی به آثارشان مفتوح می گردد:

ر. آماده شدن مواد برای صاحبان تألیف و شرح حال نویسان: مؤلفان، گرایشهای مختلفی دارند. بعضی دنبال موضوع خاصی می گردند، عده ای شرح حال دانشمندان سرزمین خویش را می نگارند، بعضی با هنر مندان سرو کار دارند، برخی در مورد مسائل جغرافیایی بررسی می کنند و - هر یک از اینها در کتابهای مختلف یا اطلاعات بکر می یابند و یا اطلاعات سابق را تکمیل می نمایند. ز. شناسنامه دار شدن کتابها:

وقتی کتابی - ولو غیر مهم - ثبت می شود، آن کتاب شناسنامه دار می شود. بنابراین مسیر بعد از این حرکت قابل پیگیری و ثبت می باشد.<sup>(۲)</sup>

د. فوائد شخصی:

مخطوطم از این فوائد، فوایدی است که هر شخص در می تواند با توجه به حیطه کاری خویش از فهرست بهره برداری نماید. بدینطور مثال یک خطاط با نگاه به تصاویر چاپ شده قرآنیهای مخطوط به تطور و تحول خطوط پی برده یا یکی از خطوط قدیمی می تواند نوع تمرین او بر روی بعضی از ترکیبات را تعویض کرده یا سهولت بخشد. یک تذهیبکار می تواند از نوع تذهیب نسخه ای، مطلبی بیاموزد یا روش خود را تکمیل نماید. مترجم قرآنی، قرآنیهای ترجمه شده را طبقه بندی نماید، کسانی که بر روی کتابشناسی افراد مختلف کار می کنند یا به انگیزه های مختلف نسخه یابی می کنند بهترین سود را ببرند و دهها فایده دیگر.

ذ. تدوین فهرستگان جامع علوم:

برای تدوین شدن فهرستگان جامع علوم مختلف، راهی جز مراجعه به فهراس نسخه های خطی نیست. با چاپ هر جلد فهرست، دهها فیش و صدها برگه بر فهرستگان جامع علوم و فنون گوناگون افزوده می شود.

ب - برکات فهرستنگاری برای فهرستنگار

در این مورد، هم برکات می توانند بسیار متنوع باشند و هم محدود به فهرستنگاری، دقیقاً موردی که به خلاقیت و میزان آگاهی و کیفیت بهره وری فهرستنگار بستگی دارد.

فهرستنگارانی که با مراجعه به نسخه های خطی فقط فهرست آن را تهیه و تدوین می کنند، فهرستنگاران موفقی به نظر نمی رسند.

باید فرصت از کف نرود، یادداشتهای استثنائی ثبت شود، مواردی که باید تحقیق شود، دسته بندی گردد و ...

نگارنده این سطور، در بین فهرستنگاران معاصر کسی را سراغ ندارد که به اندازه محقق پرکار و مدقق توانا از برکات فهرستنگاری بهره مند شده باشد. وقتی حاصل بهره وری های جنبی فهرستنگاری را در آثار این بزرگ مرد می نگرند، متوجه می گردد که چه بسا حاشیه از متن افزون شده و آنچه در جنب فهرستنگاری بدست آمده بیشتر و قابل توجه تر است.

این برکات گاهی مستقیم و گاه غیر مستقیم یا مؤثر بوده است. مواردی که ذیلاً اشاره می کنم، بدان معنا نیست که در غیر فهرستنگار قابل تحقق نباشد، بلکه بدان معناست که فهرستنگار می تواند با استفاده بهینه از وقت و فرصتی که بدست آمده، بهترین خدمت علمی را به انجام رساند.

وجود قریحه نویسنده، آشنایی با زبان عربی، ادبیات قوی و دهها قابلیت دیگر می توانند پیش شرط استفاده بهینه از مطالب نسخه های خطی باشند. بنابراین از فهرستنگاری که نتواند آغاز کار را خوانده و از انجام آن سر در بیاورد، نمی توان انتظار داشت که دهها مطلب را از لابلای نسخه های خطی تحویل جامعه علمی دهد. اینک به پاره ای از مواردی که قلم علامه اشکوری وام دار فهرستنگاری است اشاره می شود:<sup>(۱)</sup>

الف. پس از شروع فهرستنگاری نسخه های خطی در کتابخانه مرعشی، بزودی کتابهایی که علامه والد در لابلای فهرستنگاری بدانها برخورد کرده و موضوع یا تاریخ یا مؤلف آنها را مهم ارزیابی می کردند، جهت تحقیق و احیاء مد نظر می گرفتند. این توجه، به خلق انتشارات کتابخانه مرعشی و تحقیق مخطوطات آن انجامید.

بنابراین اولین برکت از برکات فهرستنگاری آن بود که ایشان به تحقیق عده ای از میراث مهم شیعی پرداختند.

ب. دومین و مهمترین برکت، تدوین کتاب **تراجم الرجال** بود که بطور مستقیم از لابلای نسخه های خطی استخراج می شد. این اطلاعات حاوی مطالبی بود که تا بحال در کتابهای تاریخ و شرح حال مذکور نیامده و یا ناقص بوده است. اطلاعات نسخه ای بیشترین حجم کتاب **تراجم الرجال** را تشکیل می دهد که بیش از بیست سال پیش ابتدا در یک جلد، ده سال پیش در دو جلد و سه سال قبل در چهار مجلد به چاپ رسید.

ج. نگارش اجازات مجلسی و شاگردان وی:

دو کتاب با نام **اجازات العلامة المجلسی و تلامذه** **العلامة المجلسی و المجازون منه** توسط محقق اشکوری تدوین و چاپ شد که اکثر مطالب آن را هنگام فهرست برداری

از نسخه های خطی ثبت کرده اند. اکنون نیز که در حال نگارش این سطور هستم مطالب فراوانی به چاپ قیل اضافه شده - آنها هم با فهرستهای جدیدی که نگاشته اند - و برای چاپ جدید آماده گشته است.

د. تدوین **المفصل فی تراجم الاعلام**:

**المفصل** چنانکه از نامش پیداست، شرح حال تفصیلی بزرگان است. ماخذ این کتاب بسیار گوناگون است. ولی اکثر مطالب بکر و مهم آن باز هم از لابلای نسخه های خطی و هنگام فهرستنگاری ثبت، سپس مراجعه و تکمیل شده است.

ذ. کارهای پیرامون الذریعه:

الذریعه آقا بزرگ تهرانی بزرگترین اثر کتابشناسی شیعی معاصر است که حاصل فداکاری و سالها تلاش مرحوم علامه بخانه شیخ آقا بزرگ تهرانی است. بدیهی است با وسعت مصنفات شیعی و عالمانی که در طول قرون مختلف دست به تدوین و خلق آثار گوناگون زدند، الذریعه نمی تواند اثری جامع باشد بلکه برای رسیدن به این امر نیاز به کارهایی تکمیلی است؛ که محقق اشکوری در این وادی احساس وظیفه کرده و گامهای خوبی در جهت تکمیل حرکت شیخ آقا بزرگ برداشته است.

اگر به مقاله بسیار ارزشمند پرفسور نقوی با عنوان **شیخ آقا بزرگ ثانی** که در حدیث عشق به چاپ رسیده، دقتی صورت پذیرد ملاحظه می شود که بخشی از آثار محقق اشکوری نظیر **مذهب الذریعه** و علی هاشم الذریعه استدراکاتی است بر الذریعه که مؤلف هنگام مراجعه به نسخه های خطی و تطبیق کتابهای گوناگون بدانها دست یافته، و بخشی از مذهب الذریعه کاری است که پس از تکمیل فهرستنگاری های استاد برای کتابخانه های مختلف صورت گرفته است. یعنی بخشی از مذهب الذریعه که بر الذریعه اضافه شده یا اصلاح شده به کمک فهارس بوده است.

ر. نگارش مقالات و مطالب پراکنده:

بعضی از مقاله های **استاد اشکوری** و مطالب پراکنده ای که گاه صورت تألیف گرفته اند نیز به نوعی با فهرستنگاری در تماس بوده اند.

خواننده تیزبین واقف است که عبارات فوق الذکر بدان معنا نیست که مطالب فهرستنگاری عیناً در تألیفات دیگر استفاده شده؛ که اگر چنین بود برای فهرستنگاران دیگر نیز شاهد چنین تعددی بودیم، بلکه در تمامی موارد فهرستنگاری، نقش کلیدی را اجرا کرده و راهنما بسوی تألیف کتابهای ارزشمند بوده است. درست به همین جهت از آن تعبیر به "برکات" کردیم، و برکات یعنی آثار مطلوب و پیامدهای این امر حسن.

تا هم با مشکلات فهرستکاران در شناسایی و تنظیم فهرس اندکی آشنا شوند و هم برکات جانیی آن را لمس نمایند. برای این کار فردا دیر است، امروز امتحان کنید.

بنابراین به مؤلفان خوش ذوقی که علاقه به نسخه های خطی دارند و مشتاق متن پژوهی و کار در لابلاهای اوراق کهن هستند توصیه می شود که لااقل یک بار هم که شده فهرستویسی را امتحان کنند



1. بطور مثال خودم سالهای 1365 - 1366 در چاپخانه خیام کار حروفچینی می کردم، خیام از بهترین چاپخانه های قم در آن زمان بود. خیلی از اوقات مجبور بودم حرفهای "میم اول، لام اول، الف تنها و الف چسبان" را هنگام خروج از چاپخانه در کمد گذاشته، درب آن را قفل کنم و الا روز بعد هنگام چیدن سطرها با کمبود این حروف بر مصرف مواجه می شدم و از ارائه کار تا وقتی که فرمهای جدید چاپ شده و آنها را در جعبه های حروفچینی بخش کتب، محروم بودم.
2. حتی بسیاری از ناشران نیز با مقوله فهرستکاری بیگانه اند. وقتی فهرست کتابخانه امام هادی - علیه السلام - و فهرست کتابخانه مدرسه آیت الله العظمی خونی - رحمه الله - در مشهد مقدس و امثال آن را چاپ کردم، یکی از ناشران قم - که اکنون فرصت سر خارتدن ندارد - رسماً به من گفت: تو دیوانه ای که این کتابها را چاپ می کنی !!
3. بطور مثال در سال جاری دو نسخه از کتابهایی که توسط یکی از مدعیان نابخرد، از کتابخانه ای به سرقت رفته و فروخته شده بود، کشف و ضبط شد. وی منکر سرقت بود ولی بوسیله فهرست چاپ شده آن کتابخانه که در آن مشخصات کتاب به طور کامل درج شده بود، راهی جز تسلیم نیافت.
4. چون بیشتر فهرستکاری های استاد در ایران انجام گرفته به حاصل کار ایشان در ایران اشاره می شود گر چه کارهای نجف اشرف نیز جای دقت و تأمل دارد.